

انقلاب دوم، یا ضد انقلاب اول؟

خمینی گروگان‌گیری را «انقلاب دوم» خواند. ولی حقیقت این است که این واقعه سرنوشت‌ساز، انقلاب دوم نبود بلکه ضد انقلاب اول بود! با تاکید بر مقابل قرار گرفتن دو توصیف متقابل، «انقلاب» و «ضد انقلاب»، برای وصف یک موضوع واحد، این واقعه بسیار مهم را در این نوشتار کوتاه، از زاویه‌ای دیگر می‌نگریم. چهره‌ای که ایران، و منطقه، و دنیای بعد از ۱۳ آبان ۱۳۵۸ پیدا کردند، به‌طور مستقیم و غیر مستقیم، از این واقعه متأثر بوده است. از جمله این‌که حمله صدام به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ برابر با ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ با پشتیبانی و چراغ سبز امریکا و دولت‌های منطقه آغاز شد، و نزدیک به هشت سال ادامه یافت.

بسیاری تأثیرات منفی و تبعات فاجعه‌بار دیگری هم تا کنون هم ادامه داشته‌اند. شناخت جزئیات تمام ابعاد بحران گروگان‌گیری اعضاء سفارت امریکا در تهران، اطلاعات مهمی را برای ساختن سرنوشت‌های خوب و خوب‌تر برای این نسل و نیز نسل‌های آینده، با غنای وژدان تاریخی، فراهم خواهد کرد. در غیر این صورت، بسیاری تأثیرات منفی و تبعات فاجعه‌بار دیگری هم در راه خواهند بود.

بعد از بحران جنگ ویتنام و بحران‌های ناشی از دخالت امریکا در امور داخلی سایر کشورها، و بعد از بحران رسوایی واترگیت و استعفای نیکسون، جیمی کارتر با پایه‌گذاری مبارزات انتخاباتی خویش بر اساس عدم دخالت در امور کشورهای دیگر، و عدم حمایت از عناصر وابسته به غرب در کشورهای دیگر (مثل پهلوی در ایران)، و رعایت حقوق بشر، موفق به احراز مقام ریاست جمهوری امریکا شد. بدین ترتیب کارتر و شرکا مجبور بودند به دست‌نشانندگان خود (مثل پهلوی در ایران) دستورات متناقضی را، از جمله برخورداری از تجاوزات به حقوق بدهند.

با انتشار مقاله توهین‌آمیز شخصی با نام (؟مستعار) احمد رشیدی، در تاریخ ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ در روزنامه اطلاعات، جرقه انقلاب به انبار باروت خودساخته‌ی رژیم شاهنشاهی زده شد.

پهلوی که با کودتای امریکایی-بریتانیایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به قدرت رسیده بود، و هیچ گونه پایگاه مردمی نداشت، تنها وسیله در قدرت ماندن خود، یعنی سرکوب و خفقان را از دست داد، و انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ واقع شد. این انقلاب، دنیا را، دنیای دوقطبی جنگ سرد، که به لحاظ اندیشه در بن‌بست قرار گرفته است را وارد عرصه‌ی جدیدی کرد.

برای نسلی که آن تاریخ را تجربه نکرده است، آگاهی به اثر انقلاب در افکار عمومی دنیا، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. برای حس و لمس آن حال و هوا، جوانان ایرانی می‌توانند پشتیبانی افکار عمومی دنیا از مردم غزه را در این روزها، و پشتیبانی افکار عمومی دنیا از مردم ایران در جنبش خودجوش شهریور ۱۴۰۱ را برای مثال به‌یاد بیاورند.

قدرت‌ها مجبور بودند این واقعه بسیار مهم را در افکار عمومی دنیا، به ضد آن تبدیل کنند، تا مبادا مردم دیگر کشورهای دنیا، به‌خصوص در منطقه، دیگر اصلاً به فکر انقلاب نیفتند! انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، به «انقلاب اسلامی ایران» معروف شد، و این هر سه کلمه، باید بار منفی و منفور پیدا می‌کرد. ملت‌های کشورهای دیگر، به‌خصوص مردم منطقه، باید از انقلاب به عنوان یک روش، هراس‌ناک؛ و از اسلام به عنوان یک بیان استقلال و آزادی و یک اندیشه و باور به موازنه عدمی، منزجر؛ و از ایران و ایرانیان، به عنوان یک الگو و کشوری که می‌تواند ملت‌های کشورهای دیگر را، مانند تجربه قبلی آنها مبنی بر ملی کردن صنعت نفت، از یوغ سلطه‌سالاران نجات دهد، متنفر می‌شدند.

بدین ترتیب، گروگان گرفتن اعضای سفارت امریکا، در امریکا طرح‌ریزی و توسط راه‌هایی که هنوز مشخص نیستند، به ایران منتقل و توسط «دانشجویان خط امام» در تهران اجرایی گردید.

گروگان گرفتن اعضای سفارت امریکا، با حمله «دانشجویان پیرو خط امام» به سفارت امریکا در تهران، در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸ (۴ نوامبر ۱۹۷۹) شروع شد.

حقیقت ایران به‌گروگان امریکا در آمد»

ولی پذیرفته نشد. چرا که اولاً آن ها مقامات رسمی امریت نبودند که این مقام رسمی ایران،

ملاقات با آن‌ها را بپذیرد. ثانياً و مهمتر اینکه یکی از وعده‌های انتخاباتی بنی‌صدر، آزاد ساختن گروگان‌ها، و حل این بحران بود، و به هیچ وجه نمی‌خواست وارد یک معامله پنهانی با امریکایی‌ها بشود. نتیجه اینکه آن‌ها به خمینی و شرکا مراجعه کردند، و معامله پنهانی «قول و قرار بر روی پله‌های مرمرین»، به ضرر کارتر و به نفع ریگان انجام شد. (۲)

بعد از مایوس شدن حکومت کارتر از راه حل دیپلماتیک، وزارت خارجه امریکا در ۷ آوریل ۱۹۸۰ قطع روابط دیپلماتیک با ایران را اعلام کرد. برژینسکی (که اکنون به علت سابقه‌ی او در افغانستان و ایران و سایر کشورهای منطقه، و نیز در رابطه با روسیه شوروی، و ابراز نظرهایی که در مورد سیاست خارجی امریکا تا آخر عمر ۸۹ ساله خود ارائه داده، به خشونت‌گستری و جنگ‌طلبی شناخته می‌شود) از غیاب سایروس ونس وزیر خارجه در واشنگتن به علت رفتن به مرخصی، استفاده می‌کند و راه حل‌های نظامی و خشونت‌آمیز را در جلسات شورای امنیت، پیش می‌برد.

ابتدا همه گروگان‌ها در ساختمان سفارت سکنی داده شده بودند. امریکا در ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ (۲۴ آوریل ۱۹۸۰) طی یک عملیات سری با اسم رمز «عملیات پنجه عقاب» تلاش کرد به آن ساختمان حمله و گروگان‌ها را آزاد. طرح عملیاتی این بود که هواپیما و هلیکوپترهای امریکایی از یک ناو جنگی در خلیج فارس، خود را به فرودگاه متروکه‌ای در طبس برسانند. از آن فرودگاه، قوای ویژه با بر زمین نشاندن هلیکوپترها در زمین فوتبال امجدیه، گروگان‌ها را آزاد و از ایران خارج کنند.

به علت چند اتفاق پیش‌بینی نشده، از جمله نقص فنی در سه هلی‌کوپتر از هشت فروند هلی‌کوپتری که قرار بود در این عملیات استفاده شوند، این گروه عملیاتی مجبور شد به سرعت فرار کند و از ایران خارج شود. در این هنگام، در تصادم یک هواپیما با یک هلی‌کوپتر، هشت سرباز امریکایی کشته شدند.

بعد از این عملیات، و برای پیش‌گیری از عملیات مشابه، گروگان‌ها را از هم جدا و دور از هم، هر یک را در یکی از شهرهای ایران نگهداشتند.

گروگان‌ها، بعد از ۴۴۴ روز، در تاریخ ۳۰ دی ماه ۱۳۵۹ (۲۰ ژانویه ۱۹۸۱) آزاد شدند. نکته جالب اینکه گروگان‌ها را از شهرهای مختلف به فرودگاه تهران آوردند، و آن‌ها را ساعت‌ها در هواپیما، منتظر نشاندند و اجازه پرواز را منوط به همزمانی دقیق با زمان سوگند خوردن ریگان برای دوره اول ریاست جمهوری نمودند. بررسی نشریات آن زمان کویا است. از جمله، نیویورک تایمز، عنوان سرخط خبرها را در صفحه اول با حروف درشت نوشت:



ریگان به عنوان چهلمین رئیس جمهور سوگند می‌خورد؛ قول 'یک دوره نوسازی ملی' را می‌دهد

دقیقی بعد، ۵۲ گروگان آمریکایی در ایران، بعد از تجربه وحشتناک ۴۴۴ روزه، به سمت آزادی پرواز می‌کنند

خمینی و شرکا، از گروگان‌ها استفاده‌های فراوانی از اولین ضد انقلاب کردند. آن‌ها انواع ممانعت‌ها و مخالفت‌ها، و... و کارشکنی‌های فراوان برای خنثی کردن تلاش‌های بنی‌صدر و دوستان و همکاران وی برای آزاد کردن گروگان‌ها در اسرع وقت را موفّقانه انجام دادند. علی‌رغم این، بعد از پیروزی ریگان، حداکثر تلاش را برای فراهم‌سازی آزادی گروگان‌ها در زمان موعود را انجام دادند. هادی غفاری در مجلس شورا، گروگان‌ها را با صفت «جنس بنجل» که باید هرچه زودتر از شر آن خلاص شد موصوف کرد. خمینی گفت گروگان‌ها مثل انار آبل‌مبو هستند که آب آن را نوشیده‌ایم و حالا باید دور انداخته شوند!

آزادی گروگان‌ها درست در زمان به مسند قدرت رسیدن رونالد ریگان در امریکا و مراسم ملی مربوطه، و اعلام آن توسط ریگان و جشن و سرورهای مربوطه، و استقبال گرم مردم امریکا از گروگان‌های آزاد شده در خیابان‌های واشنگتن، و... همه و همه صحنه‌پردازی‌های حساب شده‌ای بودند در جنگ روانی قدرت‌ها علیه ملت‌ها (ملت ایران، ملت‌های منطقه، و ملت‌های دنیا و از جمله در امریکا)، که دیگر کسی حتی فکر انقلاب را هم به مغزش راه ندهد، چه برسد انقلاب اسلامی به مثابه بیان استقلال و آزادی و موازنه عدمی، آن هم در ایران که ایرانیان توانایی سه انقلاب بزرگ را در یک قرن از خود نشان داده‌اند. بدین ترتیب، در ایران، قدرت‌های داخلی و خارجی، توانستند گفتمان «اصلاح‌طلبی» را در مقابل انقلاب قرار دهند. نتیجه آن ترس و اضطراب از انقلاب و استمرار رژیم ولایت مطلقه شده است. همچنین در امریکا، وژدان عمومی همگانی، انزواطلبی را مکروه و بلکه حرام بداند، و حتی دوباره به زمانی بازگردد که دخالت آشکار و نهان در امور سایر کشورها را مستحب و بلکه واجب بشمارد.

✱

بعد از گذشت بیش از ۴ دهه از آن واقعه، با توجه به تبعات گروگان‌گیری و «اکتبرسورپرایز» و «ایران کانترا» و «ایران‌گیت» بسیاری از عاملان و چه بسا بسیاری از آمران آن توطئه، از این کار پشیمان هستند.

تلاش برای روشن‌گری تمام جزئیات در رابطه با:

۱- حمله و تصرف سفارت امریکا از یک سو، و از سوی دیگر

۲- گروگان نگه‌داشتن کارکنان آن سفارت برای ۴۴۴ روز،

از نیازهای حیاتی برای غنای وژدان تاریخی، به عنوان پیش‌نیازی برای استقرار و استمرار و پیشبرد مردم‌سالاری است.

علی صدارت